

تولد عیسی مسیح : از طریق نمادها و نشانه‌ها

هر دسامبر در بسیاری از شهرهای سراسر جهان احتمالاً چراغ‌های روشن و موسیقی شاد می‌بینید و می‌شنوید. اینها نشان از کریسمس است. مردم با پیشینه‌ها و عقاید قومی مختلف دوست دارند این تعطیلات را جشن بگیرند. چراغ‌های روشن و تزئینات براق روی درختان به همراه لذت هدیه دادن و هدیه گرفتن بر جذابیت این جشن می‌افزاید.

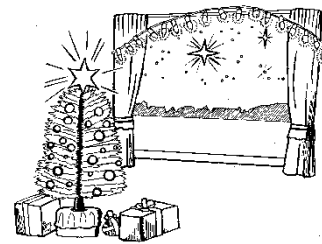
اما معنای واقعی کریسمس چیست؟ برخی از کودکان فکر می‌کنند کریسمس فقط مربوط به گوزن‌های پرنده، هدایا زیر درخت، و بابانوئل است که به نظر می‌رسد از تمام کارهای خوب و بد آنها باخبر است. افراد دیگر ادعا می‌کنند که ۲۵ دسامبر روز تولد عیسی مسیح است. با این حال، عده‌ای دیگر به هیچ یک از این داستان‌ها اعتقاد ندارند و فقط از گذراندن تعطیلات در کنار خانواده لذت می‌برند. برخی نیز تعطیلات خود را به نوشیدن مشروب و مهمانی می‌گذرانند.

کریسمس از کجا آمده است؟ طی ۲۰۰۰ سال گذشته سنت‌های مختلف زیادی به آن اضافه شده است. بابانوئل و گوزن‌های پرنده بخشی از داستان اصلی نیستند. از نظر تاریخی، ۲۵ دسامبر و درختان کریسمس را نمی‌توان به تولد عیسی مسیح مرتبط دانست. داستان واقعی را می‌توان در انجیل یافت. داستان نشانه‌ها و نمادهای این تولد نزدیک به ۲۰۰۰ سال پیش در انجیل‌های متی و لوقا نوشته شد.

می‌توانید آنها را در اینترنت در وبسایت‌هایی مانند wordproject.org یا biblegateway.com پیدا کنید. داستان زیر ارتباط بین داستان واقعی تولد عیسی مسیح، معروف به عیسی المسیح، و بسیاری از چیزهایی که در ایام کریسمس می‌بینیم را نشان می‌دهد. حقیقت را کاوش کنید و از یادگیری آن لذت ببرید.

نشانه فرشته

بر کارت‌های کریسمس و شاخه‌های درختان جشن، تصویر فرشتگان را بسیار می‌بینیم. انجیل روایت می‌کند که ماه‌ها پیش از تولد عیسی، مریم با نجاری به نام یوسف نامزد شده بود. ناگاه حادثه‌ای شگفت رخ داد: فرشته‌ای بر او ظاهر شد. مریم هراسان شد، اما فرشته با آرامشی آسمانی گفت:



«مریم، مترس! تو نزد خدا محبوب شده‌ای. به‌زودی بارور خواهی شد و پسری خواهی زاد. نام او را عیسی

بگذار، زیرا او قوم خود را از گناهانشان رهایی خواهد بخشید» (متی ۱:۲۱).

مریم در اندیشه فرو رفت: این سخن چه معنا دارد؟ در سرزمینی که دین و اخلاق سختگیرانه بود، چگونه چنین امری ممکن است؟ پرسید: «چگونه می‌شود، حال آنکه من باکره‌ام؟» فرشته پاسخ داد: «هیچ چیز نزد خدا

ناممکن نیست. روح‌القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند» (لوقا ۱:۳۵، ۳۷). مریم به پیشگویی‌های کهن اندیشید؛ وعده‌هایی که خبر از نجات‌دهنده‌ای می‌دادند که به‌گونه‌ای معجزه‌آسا از باکره‌ای زاده خواهد شد. آیا خدا او را برگزیده بود؟ آیا اینک زمان تحقق وعده نور از آسمان و زدودن گناه از جهان رنج‌دیده فرا رسیده است؟

با فروتنی گفت: «من خدمتگزار خداوند هستم؛ باشد که آن‌گونه که گفتی، برای من انجام شود.» و فرشته از او دور شد (لوقا ۱:۳۸).

آن شب، فرشته‌ای در خواب بر یوسف ظاهر شد و گفت: «یوسف، مترس که مریم را به همسری بگیری. این کودک به‌راستی از روح‌القدس در او شکل گرفته است. او پسری خواهد داشت؛ نامش را عیسی بگذار، زیرا این نام به معنای کسی است که مردم را از گناهانشان نجات می‌دهد.»

یوسف از این طرح شگفت خداوند فروتن شد. دانست که خدا خانواده او را برای مأموریتی بزرگ برگزیده است. او از فرمان خدا سر باز نزد، آبروی مریم را نگاه داشت و در کنار او ماند. هر دو با شوق، در انتظار این کودک آسمانی بودند.

نشانه کودک

پادشاه سرزمین، هیروдіس، فرمان داد که همه برای سرشماری به زادگاه نیاکان خود بازگردند. مریم و یوسف راه دشوار صد و چهل کیلومتری تا بیت‌لحم را در پیش

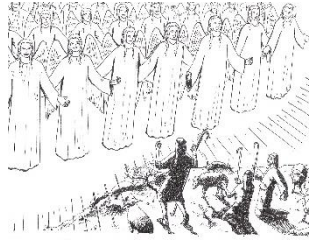
گرفتند. سفر بر پشت الاغ برای مریم که باردار و نزدیک به زایمان بود، طاقت فرسا بود.

وقتی به مقصد رسیدند، در هر گوشه به دنبال سرپناهی گشتند. سرانجام مردی مهربان آنان را پذیرفت و اجازه داد در آغل حیواناتش بمانند. مریم خسته بر کاه‌ها دراز کشید؛ نه قابله‌ای بود، نه پزشکی، نه خانواده‌ای که یاری‌شان کند. تنها حیوانات با بوی تندشان گرداگرد او بودند. در همان مکان ساده، پسری به دنیا آمد. مریم او را با نوارهای پارچه‌ای در آغوش گرفت و برای آرامش، در آخور حیوانات خواباند! چه جایگاه عجیبی برای کودکی چنین بزرگ! خداوند می‌خواست به جهانیان بیاموزد که محبت او شامل همه است، حتی فقیرترین انسان‌ها.

آن شب، کسی چندان به این تولد توجه نکرد؛ اما امروز در بسیاری از کشورها این داستان بارها در نمایش‌ها بازآفرینی می‌شود و بارها روایت می‌گردد. از همین روست که در ایام کریسمس، تصویر فرشتگان و مادری با کودکی در میان حیوانات دیده می‌شود.

نشانه‌ آواز

در این فصل، در خیابان‌ها و فروشگاه‌ها، ترانه‌های گوناگون به گوش می‌رسد؛ برخی تنها از شادی و سنت‌های خانوادگی می‌گویند، اما صدها سرود ویژه کریسمس نیز هست که مردم برای ستایش رحمت خدا و فرستادن عیسی، «عیسی مسیح»، می‌خوانند. این آوازه‌ها ریشه در همان شب تولد او دارند.



در آن روزگار، فقیرترین مردم اسرائیل چوپانان بودند؛ شب‌ها در هوای آزاد کنار گله می‌خوابیدند. شب تولد

عیسی، گروهی از چوپانان با شتاب از بیرون شهر به کوچه‌ها دویدند و فریاد زدند: «امشب کودکی مهم زاده شده است! ناگهان نوری درخشید و فرشته‌ای بر ما ظاهر شد و گفت: مترسید! من برای شما خبری خوش آورده‌ام؛ شادی عظیم برای همه مردم. امروز در شهر داوود، نجات‌دهنده‌ای برای شما زاده شده است. نشانه او این است: کودکی را خواهید یافت که در پارچه پیچیده و در آخور خوابیده است» (لوقا ۲:۱۰، ۱۲).

پس از این پیام، آسمان پر از فرشتگانی شد که با آوازهایی شگفت، خدا را ستایش می‌کردند. کسی امروز آهنگ آن را نمی‌داند، اما کلماتش چنین بود: «جلال بر خدا در اعلی‌علیین، و بر زمین صلح و نیک‌خواهی برای مردم» (لوقا ۲:۱۴). هرگاه سرودهای کریسمس را می‌خوانیم، در حقیقت آواز فرشتگان را تقلید می‌کنیم و جشن می‌گیریم که صلح میان انسان‌ها به سبب کاری که خدا با فرستادن عیسی، مسیح، انجام داد، ممکن شده است.

چوپانان کودک را یافتند؛ همان‌گونه که فرشته گفته بود، در پارچه پیچیده و در آخور خوابیده. با احترام در برابر او خم شدند، شگفت‌زده از اینکه چنین کودک خاصی در خانواده‌ای فقیر زاده شده است. آنان یقین کردند که

خدا فقیران را دوست دارد، زیرا این خبر نخست به خود آنان داده شده بود.

انجیل می‌گوید این همان دلیل بود که عیسی، مسیح، در چنین فروتنی زاده شد؛ تا در رنج آنان شریک شود و راهی برای رهایی بگشاید. اگر در کاخی زاده می‌شد، فقیران شاید از نزدیک شدن به او بیم داشتند. او می‌خواست همه به او نزدیک شوند و رحمت خدا را بشناسند؛ همچون پادشاهی که میان رعایای خود می‌رود تا دردهایشان را بفهمد و برای بهبود زندگی‌شان یاری‌شان کند.

نشانه ستارگان و پیشگویی‌ها

در ایام کریسمس، چراغ‌های رنگارنگ بر خانه‌ها می‌درخشند و ستاره‌ای بر فراز درخت کریسمس می‌درخشد. ستارگان از دیرباز برای انسان‌ها نشانه‌ای از خالق بوده‌اند؛ هرچند برخی به خطا کوشیده‌اند از آن‌ها برای پیشگویی آینده بهره گیرند.

نزدیک به دو هزار سال پیش، گروهی از مردان پارسی از مشرق، که آنان را «دانایان» می‌خواندند، پیشگویی‌های مربوط به مسیحای خدا را می‌دانستند. آنان در کتاب‌های مقدس، تورات شریف، این کلمات را خوانده بودند:

«مردمی که در تاریکی می‌زیستند، نوری عظیم دیدند؛ بر آنان که در سرزمین سایه مرگ بودند، نوری تابید.» شبی ستاره‌ای بزرگ و درخشان در آسمان پدیدار شد؛ نشانه‌ای که آنان را به سوی مسیحا راهنمایی می‌کرد. نتوانستند آرام بنشینند؛ هدایای گرانبها آماده کردند، بر

شتران نشستند و در پی ستاره روانه شدند، با امید یافتن کودکی که مسیحای خدا باشد.

چون به اورشلیم رسیدند، شگفت‌زده شدند که رهبران دینی از تولد کسی که وعده‌اش داده شده بود، بی‌خبرند. حتی پادشاه وقت، هیروودیس، سخت آشفته شد؛ بیم داشت این کودک رقیب تاج و تختش گردد.

رهبران دینی باید می‌دانستند که زمان تحقق پیشگویی‌ها فرا رسیده است، اما غفلت کرده بودند. با این حال، می‌دانستند که کتاب‌های مقدس محل تولد مسیحا را پیش‌بینی کرده‌اند: دهکده‌ای کوچک به نام بیت‌لحم. هیروودیس به دانایان گفت: «بروید و با دقت کودک را بجوئید، و چون او را یافتید، مرا خبر دهید تا من نیز بیایم و او را احترام کنم.» اما در پس این سخنان، نیت شوم او برای نابودی کودک نهفته بود.

شب هنگام، دانایان ستاره را دیدند و تا بیت‌لحم دنبال کردند و کودک را یافتند؛ مسیحا، که نامش عیسی بود، «عیسی مسیح». در زبان باستان، نام عیسی به معنای «خدا نجات می‌دهد» است. چراغ‌های کریسمس یادآور این حقیقت‌اند که در تاریکی، خدا نشانه‌ای فرستاد؛ ستاره‌ای، نوری از آسمان، تا نشان دهد مسیحا آمده است.

نشانه‌های هدایا

هدایای فراوانی که مردم در کریسمس به یکدیگر می‌دهند، ریشه در سه هدیه ویژه‌ای دارد که



دانایان به عیسی، مسیح، تقدیم کردند: طلا، کندر و مُرّ. عیسی، هدیه خدا به انسان‌ها بود. وقتی ما در کریسمس هدیه می‌دهیم، نشان می‌دهیم که سپاسگزار خداییم و می‌خواهیم محبت را به دیگران منتقل کنیم.

در روزگار تولد عیسی، هدایایی چون طلا، کندر و مُرّ تنها به پادشاهان داده می‌شد. دانایان یقین داشتند این کودک کوچک، کسی بسیار خاص است؛ پس با بهترین هدایا احترام و ارادت خود را نشان دادند.

وقتی دانایان با هدایای گرانبها برای بزرگداشت کودک آمدند، روستاییان با شگفتی نگرینستند؛ آنان تنها خانواده‌ای فقیر می‌دیدند و نمی‌دانستند که نجات‌دهنده مهربان وعده‌داده‌شده زاده شده است. همین سبب شد دانایان با او چونان پادشاه رفتار کنند. این نیز بخشی از دلیل سنت هدیه دادن در کریسمس است.

نشانه‌های هدایا

هیروودیس با اضطراب در انتظار خبر دانایان بود؛ اما همان شب، فرشته‌ای در خواب بر آنان ظاهر شد و فرمان داد از راهی دیگر به سرزمین خود بازگردند و هیچ سخنی از دیدار عیسی به هیروودیس نگویند.

فرشته یوسف را نیز بیدار کرد و هشدار داد که با مریم و کودک به مصر بگریزد، زیرا هیروودیس قصد جان او را دارد.

چون هیروودیس دریافت که دانایان او را فریب داده‌اند، ترسش به خشمی سوزان بدل شد. فرمان داد سربازان همه پسران دو ساله و کوچک‌تر را در آن ناحیه بکشند. مرگ و اندوه و فریادهای جگرسوز سراسر سرزمین را فرا گرفت. خودخواهی و حرص هیروودیس رنجی عظیم آفرید؛ همان‌گونه که امروز جنگ‌ها و نزاع‌های خانوادگی، از همین ریشه شوم برمی‌خیزند. خدا هنوز نیز در رؤیاهای حقیقت محبت و نقشه نجات خود را به انسان‌ها نشان می‌دهد.

کودک عیسی از توطئه شریرانه هیروودیس جان به در برد؛ هیچ چیز نمی‌توانست نقشه خدا را نابود کند. او در مصر در پناه بود. روزها گذشت و هیروودیس مرد. آنگاه فرشته‌ای بار دیگر بر یوسف ظاهر شد و گفت به اسرائیل بازگرد، تا عیسی در آنجا بزرگ شود و رسالت آسمانی خود را به انجام رساند. اما این داستانی است برای وقتی دیگر.

نشانه زندگی مقدس

جشن کریسمس ما را فرا می‌خواند تا راه و منش عیسی، مسیح، و دانایان را برگزینیم، نه راه هیروودیس. چون هیروودیس مرد، جز خانواده نزدیکش کسی بر او نگرید؛ بلکه مردم از مرگ او شادمان شدند، زیرا پادشاهی خودخواه و سنگدل بود. امروز نام او و کارهایش در خاطره اندکی مانده است.

اما میلیون‌ها نفر نام عیسی مسیح را می‌شناسند؛ نامی که معنایش «آن‌که برای نجات و درمان برگزیده شده» است. او آموزگاری بزرگ و پیامبری نامدار شد. مثل‌ها و سخنانش به صدها زبان ترجمه شده است. اعمال مهربانی‌اش نسبت به فقیران و بیماران الهام‌بخش میلیون‌ها انسان بوده است. او برای خدمت به دیگران زیست، نه برای منافع خویش.

ما نیز باید برگزینیم که چگونه زندگی کنیم: آیا همچون هیرودیس در پی لذت و قدرت باشیم؟ یا همچون عیسی، برای یاری دیگران وقت و مال خود را فدا کنیم تا خانواده‌ها، روستاها و کشورهاییمان سرشار از صلح گردد؟ اگر با دقت بنگریم، درمی‌یابیم شادی راستین از راه ایثار و مهربانی می‌آید، نه از حرص و خودخواهی.

کریسمس می‌تواند این حقیقت را به یادمان آورد. می‌توانیم با یک کار ساده محبت‌آمیز در همین هفته آغاز کنیم. آیا می‌کوشید و می‌بینید چه رخ می‌دهد؟

درست است که در بسیاری جاها معنای حقیقی کریسمس فراموش شده است؛ تجارت‌پیشگان این روز را بهانه سودجویی کرده‌اند، مردم را به خرید چیزهای بیهوده می‌کشانند، در حالی که فقیران گرسنه‌اند یا در کوهستان‌ها بی‌خانه و بی‌پتو از سرما می‌لرزند.

داستان‌های ساختگی درباره بابائوئل، کوتوله‌ها و گوزن‌های پرنده بیش از داستان راستین تولد عیسی از تلویزیون شنیده می‌شود. می‌بینیم که چگونه حرص و بی‌خردی، زیبایی و خرد و بزرگواری را از میان می‌برد؛ اما

برای ما نباید چنین باشد. اکنون که معنای کریسمس را بهتر فهمیده‌ایم، می‌توانیم از آن بهره فراوان ببریم.

۱. نشانه نورها و ستارگان

می‌توانیم همچون دانایان، در جست‌وجوی کتاب‌های مقدس باشیم تا پیشگویی‌های آن را بشناسیم و از سخنان راستینش پیروی کنیم. اگر می‌خواهید درباره داستان عیسی، «عیسی مسیح»، بیشتر بدانید، می‌توانید به وب‌سایت mlml.org سر بزنید؛ در آنجا این داستان را به بیش از ۱۸۰ زبان خواهید یافت.

۲. نشانه سرودها

فرشتگان خواندند: «جلال بر خدا در اعلی‌علیین، و بر زمین صلح و نیک‌خواهی برای مردم». ما نیز می‌توانیم همچون چوپانان، در پی صلح و نیک‌خواهی باشیم؛ با رساندن خبر خوش و مهربانی با همه، فارغ از قومیت یا دینشان. می‌توانیم همچون فرشتگان، خدا را که توانایی بخشش دشمنان و جایگزینی محبت به جای نفرت را به ما می‌دهد، سپاس گوئیم.

۳. نشانه کودک

هرگاه واژه «کریسمس» را می‌شنویم، می‌توانیم معنای نام عیسی مسیح را به یاد آوریم: «آن‌که برای نجات و درمان برگزیده شده است». ما نیز می‌توانیم همراه میلیون‌ها نفر، زندگی ویژه او را

گرامی بداریم، آموزه‌هایش را بیاموزیم و قدرت خدا را برای رویارویی با چالش‌ها و نیازهای خود دریافت کنیم.

۴. نشانه هدایا

می‌توانیم همچون دانایان، به نیازمندان هدیه دهیم. در جهان و حتی پیرامون ما، بسیاری در رنج‌اند؛ برخی از جنگ می‌هراسند، برخی بی‌نان و آب پاک‌اند، برخی آواره‌اند، بی‌خانه و بی‌امید، و حتی کسانی در بند اسارت‌اند. خدا می‌خواهد ما به فقیران نزدیک شویم و همچون دانایان، هدیه‌ای از محبت تقدیم کنیم. می‌توانیم بی‌خودخواهی، همچون عیسی، زندگی کنیم. برای آگاهی از راه‌هایی که پیروان خدا برای رساندن خوراک، پوشاک، آموزش و امید به پناهندگان در آمریکا و سراسر جهان می‌کوشند، می‌توانید به asapministries.org مراجعه کنید.

اکنون زمان آن است که بگوئیم: **کریسمس مبارک!** و هنگامی که کسی بپرسد معنایش چیست، می‌توانید این داستان زیبا را با او در میان بگذارید و دعوتش کنید تا از صلح و شادی این جشن بهره‌مند شود.

اگر می‌خواهید درباره این داستان بیشتر بدانید و در پی صلحی ژرف‌تر با خدا و دیگران هستید، منابع الهام‌بخش بیشتری را در mlml.org بیابید.